

آیا رجعت را می‌شود با آیات و روایات ثابت کرد؟

سوال کننده : مهدی مرتضوی

پاسخ :

شکی نیست که اعتقاد به رجعت ، یکی از ویژگی های مذهب حقه شیعه است که می توان آن را با دلایل قطعی ثابت کرد . قبل از ورود به این دلایل ، باید حقیقت رجعت را شناخت .

حقیقت رجعت در نزد شیعه :

رجعت ، یکی از اتفاقاتی است که در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد . بر اساس این عقیده ، گروهی از مؤمنین برای رسیدن به ثواب نصرت اولیای خدا و دیدن دولتی که سال ها انتظار آن را کشیده اند ، بر می گردند تا از دیدن دولت عدل و قسط لذت ببرند . و از طرف دیگر ، گروهی از منافقین که آمدن این دولت را انکار کرده و کردار های زشتی انجام داده اند ، باز می گردند تا عقوبت اعمال خویش را در همین جهان بچشند و دچار خفت و خواری شوند .

مرحوم شیخ مفید رحمت الله علیه در این باره می فرماید :

والرجعة إنما هي للمحضي الإيمان من أهل الملة ومحمضي النفاق منهم .

المسائل السروية، الشيخ المفيد، ص35 .

رجعت ، از طرفی برای کسانی از امت اسلام است که ایمان خالص و بالاترین مرحله ایمان را دارا هستند و از طرف دیگر برای افرادی از منافقین است که در بالاترین مرحله نفاق قرار داشته اند .

و سید مرتضی رضوان الله تعالی علیه می گوید :

اعلم أن الذي تذهب الشيعة الإمامية إليه أن الله تعالی يعيد عند ظهور إمام الزمان المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قوماً ممن كان قد تقدم موته من شيعته ليفوزوا بثواب نصرته ومعونته ومشاهدة دولته، ويعيد أيضاً قوماً من أعدائه؛ لينتقم منهم فيلتذوا بما يشاهدون من ظهور الحق وعلو كلمة أهله .

رسائل السيد المرتضي، ج1 ص125، إعداد: السيد مهدي الرجائي .

عقیده شیعه امامیه در باره رجعت آن است که خداوند متعال در هنگام ظهور امام زمان مهدی علیه السلام مردمی از شیعیان آن حضرت را که پیش از او از دنیا رفته اند ، به دنیا برمی گرداند ، تا به ثواب یاری او و مساعدت وی و مشاهده دولت آن حضرت فائز گردند . همچنین مردمی از دشمنان آن حضرت را نیز زنده می گرداند ، تا از آن ها انتقام گیرد . و آن ها نیز از مشاهده ظهور حق و بالا گرفتن دین پیروان حق ، زجر بکشند .

و مرحوم طبرسی رحمت الله علیه نیز می گوید :

وقد تضافرت الأخبار عن أئمة الهدى من آل محمد (صلي الله عليه وآله وسلم) في أن الله تعالی سيعيد عند قيام المهدي قوماً ممن تقدم موتهم من أوليائه وشيعته ليفوزوا بثواب نصرته ومعونته ويبتهجوا بظهور دولته، ويعيد أيضاً قوماً من أعدائه لينتقم منهم وينالوا بعض ما يستحقونه من العذاب في القتل علي أيدي شيعته والذل والخزي بما يشاهدون من علو كلمته .

مجمع البيان، الطبرسي، ج7 ص367 .

روایات بسیاری از ائمه اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است که به زودی خداوند در زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام قومی از شیعیان او را بر می گرداند که پیش از او از دنیا رفته اند تا به ثواب یاری و همراهی آن حضرت رسیده و از دیدن دولت او لذت ببرند و نیز قومی از دشمنان او را بر می گرداند تا از آن ها انتقام بگیرد و به خاطر کشتن اعتقاد به رجعت سبب شده است که در طول تاریخ شیعیان مورد طعن قرار بگیرند ؛ به طوری که اگر يك راوي هر چند هم موثق باشد ؛ اما چون قائل به رجعت بوده ، علمای جرح و تعدیل اهل سنت او را از کار می اندازند ؛ مثلاً مسلم بن حجاج در مقدمه صحیح مسلم نقل می کند :

حَدَّثَنَا أَبُو غَسَّانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الرَّازِيُّ سَمِعْتُ جَرِيرًا يَقُولُ لَقِيتُ جَابِرَ بْنَ يَزِيدَ الْجُعْفِيَّ فَلَمْ أَكْتُبْ عَنْهُ كَانَ يُؤْمِنُ بِالرَّجْعَةِ .
ابو غسان می گوید که از جریر شنیدم که می گفت : با جابر بن یزید جعفی ملاقات کردم ؛ ولی روایتی از او نقل نمی کنم ؛ چرا که او به رجعت ایمان دارد .

با این که به صراحت می گوید که در نزد او بیش از هفتاد هزار روایت بوده است !
سَمِعْتُ جَابِرًا يَقُولُ عِنْدِي سَبْعُونَ أَلْفَ حَدِيثٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّهَا .
صحیح مسلم ، ج 1 ، ص 15 - 16 .

از جابر شنیدم که می فرمود : هفتاد هزار حدیث در نزد من است که تمامی آن ها را امام صادق علیه السلام از پیامبر نقل کرده است .

برای اثبات صحت اعتقاد به رجعت ، دلایل فراوانی از قرآن و سنت وجود دارد ؛ به طوری که مرحوم علامه مجلسی رحمت الله علیه در ج 53 بحار الأنوار ده ها روایت را در این باب نقل می کند . ما ابتدا شواهد قرآنی و بعد روایات را نقل خواهیم کرد .

شواهد قرآنی بر امکان رجعت :

در قرآن کریم ، آیاتی وجود دارد که عقیده به رجعت را ثابت می کند :

1. از هر امتی ، گروهی را محشور می شود :

خداوند حکیم در سوره مبارکه نمل ، آیه 83 می فرماید :

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ .

روزی خواهد آمد که از هر گروه ، دسته ای را برمی انگیزیم ، از کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند .

خداوند در این آیه به صراحت می گوید که ما گروهی از ستمکاران را برمی انگیزیم ، نه همه آن ها را . به طور قطع این حشر ، نمی تواند حشر روز قیامت باشد ؛ چرا که حشر روز قیامت همگانی است و احادی باقی نمی ماند ، مگر این که در روز قیامت محشور می شود و نتیجه اعمال خود را خواهد دید . این مطلب از بسیاری از آیات قرآن کریم قابل استفاده است ؛ مثلاً خداوند در سوره کهف ، آیه 47 می فرماید :

وَحَشْرَنَاهُمْ فَلَمْ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا .

آنها را برانگیختیم ، هیچ کس را فروگذار ننمودیم .

یا در سوره نمل ، آیه 87 می فرماید :

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ

روزی که در صور دمیده می شود ، تمامی کسانی که در آسمان و زمین هستند در وحشت و هراس فرو می روند ، مگر

کسانی که خدا خواسته مورد عنایت خاص او باشند . پس همگی در پیشگاه حضرت حق با فروتنی حضور دارند . بنابراین ، مراد خداوند از « وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا » نمی تواند حشر روز قیامت باشد ؛ پس منظور از آن چیزی نیست ؛ مگر همان رجعتی که شیعیان به آن اعتقاد دارند .

2. دو بار زنده شدن ، بعد از دو بار مردن

خداوند در آیه 11 سوره غافر می فرماید :

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ .

در روز واپسین کافران گویند : خداوندا ! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی ؛ پس اینک که ما به گناهان خویش گردن نهاده ایم ، برای بیرون شدن از این گرفتاری راه چاره ای هست ؟

در این آیه ، خداوند از دو بار میراندن و دو بار زنده شدن سخن گفته است ، که هر میراندن ، حیات سابق را می رساند ؛ همانگونه که دوبار زنده شدن ، مرگ پیشین را حکایت می کند . میراندن نخست ، پس از حیات دنیوی ، و مرگ دوم ، پس از حیات در رجعت است ؛ چنانکه احیا نخست ، در رجعت ، و احیا دوم در روز واپسین است .

3. زنده شدن اصحاب کهف :

یکی از دلایل صحت و امکان رجعت ، زنده شدن اصحاب کهف ، بعد از 300 سال است که خداوند در سوره کهف به آن تصریح می کند :

وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ ... وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ . الكهف / ۱۸ و ۱۹ .

گمان می بری که آنان بیدارند ، در حالی که آنان آرمیده اند ... این چنین آنان را برانگیختم تا میان خود گفتگو کنند .

وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا . الكهف / ۲۱ .

این چنین ، دیگران را بر آنان دلالت نمودیم ، تا بدانند وعده خداوند ، درباره رستاخیز ، حق است ، و هنگامه قیامت هر آینه آمدنی است و جای شك در آن نیست .

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِئَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا . الكهف / ۲۵ .

آنان در غارشان سیصد سال درنگ نمودند ، و نه سال بر آن افزودند .

4. داستان عزیز :

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَيَّ قَرْيَةً وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَيَّ عُرُوشَهَا قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ يَخِيَّبِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِئَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . البقره / ۲۵۹ .

یا همانند کسی که از کنار یک روستای ویران شده عبور کرد ، در حالی که سقفهای آن فرو ریخته بود ، و مردم آن مرده و استخوان ها پوسیده و پراکنده شده بود ، با خودگفت : چگونه خدا ، اینها را پس از مرگ زنده می کند . در این هنگام ، خدا او را یکصدسال میراند ، سپس برانگیخت ، و به او گفت : (نوایی شنید) چه قدر درنگ کردی . گفت : یک روز یا پاره ای از روز ، به او گفت : نه بلکه یکصد سال درنگ کردی . پس نگاه کن به خوردنی و آشامیدنی خود که همراه داشتی ، هیچ گونه فرسودگی در آن رخ نداده ؛ ولی به الاغ خود نگاه کن که چگونه فرسوده و از هم گسیخته شده ... که ماتورا ، زنده شدن تو پس از یکصد سال مردن را - نشانه ای برای مردم قرار دهیم (از تو شنیده باور کنند که زنده شدن مردگان حق است) اکنون

به استخوانهای پوسیده و از هم گسیخته الاغ خود نگاه کن ، تا چگونه آنها را فرآورده استوار می سازیم ، سپس گوشت بر آن می پوشانیم . پس هنگامی که این حقایق بر او آشکار گردید ، گفت : هرآینه می دانم خداوند بر همه کاری توانایی دارد .

5. هفتاد هزار خانوار فراری از طاعون :

یکی دیگر از دلایل صحت و امکان رجعت در این امت ، داستان هفتاد هزار خانوار فراری از طاعون است که دچار مرگ ناگهانی شدند ، و سپس با دعای حزقیل ، سومین وصی حضرت موسی ، زنده شدند . خداوند ، در قرآن کریم داستان را این گونه نقل می کند :

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ . البقره / ۲۴۳ .

آیا ندیده ای (ندانسته ای) گروهی را که از ترس مرگ از خانه های خود بیرون شدند (به بهانه بیماری طاعون از شرکت در جنگ و جهاد خودداری نمودند) خداوند فرمان مرگ آنان را صادر نمود ، سپس ، بر اثر دعای پیغمبری عظیم الشان ، آنان را زنده نمود . خداوند نسبت به بندگان خود بخشاینده است گرچه بیشتر مردم سپاس نمی دارند .

گویند: اینان هفتاد هزار خانوار بودند که از ترس مرگ ، بیماری طاعون را بهانه قرار دادند، در جهاد شرکت نجستند، و از خانه هایشان بیرون شدند. آنگاه در راه ، مرگ همگی فرارسید . و بر دست سومین وصی حضرت موسی علیه السلام زنده شدند ، و اینان گروهی از بنی اسرائیل بودند .

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان در این باره می گوید :

هؤلاء (الذین خرجوا من دیارهم) قیل : هم من قوم بنی اسرائیل ، فروا من طاعون وقع بأرضهم ، عن الحسن . وقیل : فروا من الجهاد ، وقد كتب عليهم .

تفسیر مجمع البیان ، الشیخ الطبرسی ، ج ۲ ، ص ۱۳۲ .

اینان ، کسانی از قوم بنی اسرائیل بودند که از ترس طاعون فرار کردند . حسن گفته ، آن ها از جهادی که بر آن ها واجب بود فرار کرده بودند .

6. هفتاد نفر از اصحاب موسی علیه السلام دو باره زنده شدند :

این داستان را بارها شنیده اید که حضرت موسی هفتاد نفر از اصحاب خود را به میعاد گاهش در کوه طور برد ؛ اما آن ها بعد از دیدن معجزات فراوان ، بازهم بر لجابت خویش پافشاری و حتی درخواست کردند که خداوند را با همین چشم ظاهری ببینند که خداوند عذاب خود را بر آنان نازل کرد و آنان بر اثر صاعقه از بین رفتند . حضرت موسی علیه السلام دعا کرد و آنان دو باره زنده شدند . خداوند داستان را این گونه نقل می کند :

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ . ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ .

یاد بیاورید هنگامی را که به موسی گفتید : ایمان نمی آوریم ، تا خدا را بالعیان ببینیم ... پس صاعقه شما را فراگرفت ، در حالی که نظاره می کردید ، در مقابل این عقوبت کاری نمیتوانستید انجام دهید ، آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم باشد تا سپاسگزار باشید .

7. زنده شدن ، کشته ای از بنی اسرائیل :

کشته ای در میان بنی اسرائیل پیدا شد که مشخص نبود چه کسی او را کشته است و هر کس گناه آن را به گردن دیگری می انداخت ؛ تا این که از جانب خداوند وحی رسید که گاوی را سر ببرند و بیخ دم او را به جنازه بزنند تا او زنده شده و قاتل خویش را رسوا سازد .

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ . فَلَمَّا اضْرَبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُخَيِّبُ اللَّهُ الْمُؤْتِي وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . البقره / ۷۲ و ۷۳ .

به یاد آورید هنگامی که فردی را کشتید و گناه کشتن او را به گردن یکدیگر می افکندید ، ولی خداوند آنچه را پنهان می ساختید آشکار می سازد . پس فرمان دادیم (تا گاوی را کشته) و قسمتی از آن را (که همان بیخ دم او باشد) به کشته بزنید تا (با اذن خدا) زنده گردد . این چنین است که خداوند مردگان را زنده می کند ، و دلائل خود را برای شما آشکار می سازد ، باشد تا اندیشه کنید .

8 . رجعة اولاد ایوب :

در تفاسیر ، در باره آیه ذیل آمده است :

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ . ص / ۴۳ .

و خانواده اش را به او بخشیدیم ، و همانند آن ها را بر آنان افزودیم ، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان . که خداوند فرزندان حضرت ایوب را بعد از آنی که همه آن ها را از دنیا برده بود ، به او بازگرداند و تا سال ها بعد با آن حضرت زندگی کردند .

در تفسیر جلالین آمده است :

أي أحيا الله له من مات من أولاده ورزقه مثلهم .

تفسیر الجلالین ، المحلی ، السيوطي ، ص 603 .

یعنی خداوند هم فرزندان را که مرده بود بازگرداند و هم مثل آن فرزندان را به او ارزانی داشت .

بغوی در تفسیر خود به نقل از ابن عباس می نویسد :

ان الله رد علي المرأة شبابها فولدت له ستة و عشرين ذكراً

خداوند جوانی همسر ایوب را بازگرداند و پس از آن ۲۶ پسر برای او به دنیا آورد .

بسیاری از مفسران اهل سنت ؛ از جمله : ابن کثیر ، سیوطی ، ابن ابي حاتم ، شوکانی و ... گفته اند :

ورد الله عليه ماله وولده عيانا ومثلهم معهم .

تفسیر ابن ابي حاتم ، ابن ابي حاتم الرازي ، ج 10 ، ص 3245 و تفسیر ابن کثیر ، ابن کثیر ، ج 3 ، ص 198 - 199 و الدر المنثور ،

جلال الدين السيوطي ، ج 5 ، ص 311 و فتح القدير ، الشوكاني ، ج 4 ، ص 439 .

خداوند اموال و فرزندان ایوب را عیناً به او بازگردانده و مثل آن ها را نیز به وی ارزانی داشت .

وقتی ثابت شود که بازگشت بعد از مرگ به دنیا در امت های گذشته و نیز در امت اسلام اتفاق افتاده و ده ها روایت صحیح از ائمه اطهار علیهم السلام نیز این مسأله را تأیید کنند ، چه مانعی می تواند از اعتقاد به رجعت جلوگیری نماید ؟ مگر نه این که اهل سنت بسیاری از عقائد خودشان را از روایاتی گرفته اند که سر منشأ همه آن ها اسرائیلیاتی است که توسط کعب الأحبار ها وارد عقائد اهل سنت شده است ؛ همانند عقیده به تجسیم ،

آیه ای که بر بطلان رجعت استناد شده است :

عثمان الخمیس برای بطلان عقیده رجعت و تضاد آن با قرآن ، به این آیه استناد کرده است :

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ . لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ . المؤمنون / ۹۹ - ۱۰۰ .

زمانی که مرگ یکی از آنان را فرارسد ، گوید : پروردگارا ! مرا بازگردان ، تا آنچه را فروگذار کرده ام کار نیک انجام دهم ؛ ولی چنین نیست ، این سخنی است که او بر زبان می راند ، (و اگر بازگردد کارش همچون گذشته است) و پشت سر آنان جهان میانه ای است (برزخ) تا هنگامه قیامت .

به احتمال زیاد ، مخالفین رجعت ، کلمه : « کلا » را به به درخواست رجعت از سوی کافرین برگردانده است ؛ در حالی که چنین نیست . خداوند نمی گوید که : هرگز آن ها را بر نمی گردانیم ؛ بلکه خداوند می گوید : حتی اگر آن ها را برگردانیم ، عمل صالح انجام نمی دهند و همانند گذشته بر ستمکاری خود اصرار می ورزند . شاهد بر مطلب آیه 28 سوره انعام است که خداوند می فرماید : اگر آن ها را برگردانیم ، دو باره به همان کار هایی که از قبل انجام می دادند ، برمی گردند .

وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ . انعام آیه 28 .

و اگر بازگردند ، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند .

چنانچه مفسر بزرگ اهل سنت ، ابن کثیر سلفی دمشقی در ذیل آیه می نویسد :

كَلَّا أَي لَأَنَّهَا كَلِمَةٌ أَي سَوَّالُهُ الرَّجُوعَ لِيَعْمَلَ صَالِحًا هُوَ كَلَامٌ مِنْهُ وَقَوْلُ لَا عَمَلٌ مَعَهُ وَلَوْ رُدَّ لِمَا عَمِلَ صَالِحًا وَلَكَانَ يَكْذِبُ فِي مَقَالَتِهِ هَذِهِ كَمَا قَالَ تَعَالَى « وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ » .

منظور ابن کثیر این است که : کلمه « کلا » یعنی این که آن ها از خداوند می خواهند که به دنیا بازگردند تا عمل صالح انجام دهند و خداوند می فرماید که اگر آن ها را برگردانیم ، بازهم عمل صالح انجام نخواهند داد و آن ها دروغ می گویند چنانکه خداوند فرموده است : " و اگر بازگردند ، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند " .

بعد برای تأیید این نظریه ، می نویسد :

وقال عمر بن عبد الله مولي غفرة : إذا قال الكافر « رب ارجعون لعلني أعمل صالحا » يقول الله تعالى كلا كذبت .

تفسیر ابن کثیر ، ج 3 ، ص 266

و قرطبی ، از مفسران بنام اهل سنت نیز همین قول را ذکر می کند :

وقيل : لو أجيب إلي ما يطلب لما وفي بما يقول ، كما قال : « ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه » .

تفسیر القرطبی ، ج 12 ، ص 150 .

اگر خداوند دعای اینها را اجابت کند و اینها برگردند ، به گفته خودشان وفا نمی کنند ؛ چنانکه آیه (و لو ردوه لعادوا لما نهوا عنه) به این مطلب اشاره دارد .

و شوکانی ، یکی دیگر از مفسران بزرگ اهل سنت نیز همین احتمال را ذکر می کند :

أو المعني : أنه لو أجيب إلي ذلك لما حصل منه الوفاء كما في قوله « ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه » .

فتح القدير ، ج 3 ، ص 498 .

[کلا] به این معنا است که اگر به سخن آن ها گوش داده شود و آن ها را به دنیا برگردانند ، به وعده ای که داده اند وفا نخواهند کرد ؛ چنانچه در آیه دیگر می فرماید : " و اگر بازگردند ، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند " .

روایاتی از طریق اهل بیت علیهم السلام بر صحت رجعت :

1. قال علي بن إبراهيم وحدثني أبي عن أبي عمير عن عبد الله بن مسكان عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى (واذ اخذ الله ميثاق النبيين لما اتينكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه) قال ما بعث الله نبيا من ولدن آدم عليه السلام الا ويرجع إلي الدنيا فينصر أمير المؤمنين (ع) وهو قوله لتؤمنن به يعني برسول الله صلي الله عليه وآله ولتنصرنه يعني أمير المؤمنين عليه السلام .

امام صادق عليه السلام در باره قول خداوند تبارك وتعالى « واذ اخذ الله ميثاق النبيين لما اتينكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه » فرمودند : نیست فرزندی از فرزندان حضرت آدم که پیامبر بوده باشد ؛ مگر این که به دنیا برمی گردد و امیر المؤمنین علیه السلام را یاری می کند . و این همان گفته خداوند « لتؤمنن به ؛ تا به او ایمان بیاورند » است که مراد از آن ایمان به رسول خدا صلي الله عليه وآله است و نیز مراد خداوند از « ولتنصرنه ؛ تا او را یاری کنند » یاری امیر المؤمنین علیه السلام است .

مختصر بصائر الدرجات ، الحسن بن سلیمان الحلبي ، ص 42 .

2. سعد ، عن ابن يزيد ، وابن أبي الخطاب واليقطيني وإبراهيم بن محمد جميعا ، عن ابن أبي عمير ، عن ابن أذينة ، عن محمد بن الطيار ، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل : « ويوم نحشر من كل أمة فوجا » فقال : ليس أحد من المؤمنين قتل إلا سيرجح حتي يموت ولا أحد من المؤمنين مات إلا سيرجح حتي يقتل .

محمد بن طيار گوید : امام صادق علیه السلام در باره آیه « ويوم نحشر من كل أمة فوجا » فرمودند : مؤمنی کشته نمی شود ؛ مگر این که به دنیا بر می گردد تا بمیرد و مؤمنین نمی میرد ؛ مگر این که به دنیا بر می گردد تا کشته شود .

بحار الأنوار ، العلامة المجلسي ، ج 53 ، ص 40 .

3. سعد ، عن ابن عيسى ، عن الأهوازي ، عن حماد بن عيسى عن الحسين بن المختار ، عن أبي بصير قال : قال لي أبو جعفر عليه السلام : ينكر أهل العراق الرجعة ؟ قلت : نعم ، قال : أما يقرؤون القرآن « ويوم نحشر من كل أمة فوجا » .

ابی بصیر نقل می کند که اما باقر علیه السلام از من سؤال کرد : آیا اهل عراق رجعت را انکار می کنند ؟ عرض کردم : بلی . امام فرمود : آیا در قرآن نخوانده اند : ما از هر امتی ، گروهی را بر می انگیزیم ؟ .

4. سئل الإمام أبو عبد الله عليه السلام عن قوله « ويوم نحشر من كل أمة فوجا » قال : ما يقول الناس فيها ؟ قلت : يقولون : إنها في القيامة ، فقال أبو عبد الله عليه السلام : أيحشر الله في القيامة من كل أمة فوجا ويترك الباقيين ؟ إنما ذلك في الرجعة فأما آية القيامة فهذه « وحشرناهم فلم نغادر منهم أحدا » إلي قوله « موعدا »

از امام صادق (ع) ، درباره آیه « ويوم نحشر من كل أمة فوجا » سوال شد ، فرمود : مردم درباره آن چه می گویند ؟ گفتند : می گویند درباره قیامت است . فرمود : آیا در روز قیامت از هر گروهی دسته ای برانگیخته می شوند ، و بقیه و انواده می شوند ؟ نه ، چنین نیست ، این آیه مربوط به رجعت است ، اما آیه قیامت آیه « وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا » است .

بحار الأنوار ، العلامة المجلسي ، ج 53 ، ص 51 .

5. حدثني أبي قال : حدثني ابن أبي عمير ، عن المفضل ، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله « ويوم نحشر من كل أمة فوجا » قال : ليس أحد من المؤمنين قتل إلا يرجح حتي يموت ، ولا يرجع إلا من محض الايمان محضا أو محض الكفر محضا .

امام صادق علیه السلام در باره قول خداوند : « ويوم نحشر من كل أمة فوجا » فرمود : هیچ مؤمنین نیست که کشته شده باشد ؛ مگر این که به دنیا بر می گردد تا بمیرد . باز نمی گردد جز کسانی که خالصا ایمان آورده باشند یا کفر ورزیده اند .

6. حدثنا تميم بن عبد الله بن تميم القرشي رضي الله عنه قال : حدثني أبي قال : حدثنا أحمد بن علي الأنصاري عن الحسن بن الجهم قال : حضرت مجلس المأمون يوما وعنده علي بن موسى الرضا عليه السلام وقد اجتمع الفقهاء وأهل الكلام من الفرق المختلفة فسأله بعضهم ... فقال المأمون : يا أبا فما تقول في الرجعة فقال الرضا عليه السلام : إنها لحق قد كانت في الأمم السالفة ونطق به القرآن وقد قال رسول الله (ص) يكون في هذه الأمة كل ما كان في الأمم السالفة حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة قال عليه السلام : إذا خرج المهدي من ولدي نزل عيسى بن مريم عليه السلام فصلي خلفه وقال عليه السلام : إن الإسلام بدأ غريبا وسيعود غريبا فطوبى للغرباء قيل : يا رسول الله ثم يكون ماذا ؟ قال ثم يرجع الحق إلي أهله .

عيون أخبار الرضا (ع) ، الشيخ الصدوق ، ج 1 ، ص 217 - 218 .

خليفه مامون عباسي ، از امام علي بن موسى الرضا (ع) ، پرسید: درباره رجعت چه می گویی . فرمود: رجعت حق است ، در امتهای گذشته بوده ، و قرآن از آن یاد کرده . پیغمبر اکرم (ص) فرموده : هرآنچه در امتهای پیشین واقع شده نظیر آن در این امت نیز واقع می شود. نیز فرموده : هنگام ظهور مهدي (عج) ، عیسی (ع) از آسمان فرود می آید و به وی اقتدا می کند. باز فرموده : اسلام غریب بود، و به غربت بازمی گردد، خوشا باد غریبان را. پرسیدند: آنگاه چه می شود. فرمود: حق به اهلس بازمی گردد .

موفق باشید

گروه پاسخ به سئوالات

مؤسسه تحقیقات حضرت ولی عصر (عج)